

حوادث

متهم به قتل فراری تسلیم شد

آدمکشی با چاقوی تزیین گل!

خصوصی آن ها شده سوءظن هایی را به وجود آورده بود.
طولی نکشید که همشینی با این دوستان در پای بساط مواد مخدر انتهای گل فروشی، موجب شد تا شعله های سوءظن زبانه بکشد.

در این میان ناگهان مشاجره های لفظی در حالی به نزاعی خونبار انجامید که یکی دیگر از دوستان گل فروش جوان هم وارد فروشگاه شد و در گیری با شکستن گلدان ها بالا گرفت.
گزارش روز نامه خراسان حاکی است در حالی که دوتن از دوستان مرد گل فروش، جوان ۲۸ ساله ای به نام «ایمان» را گرفته بودند، «سجاد» (جوان گل فروش) چاقوی تاشویی را که برای تزیین گل استفاده می شود، از روی میز

کارش برداشت و به طرف آن ها هجوم برد و در یک لحظه تیغه آن را بر سینه جوان ۲۸ ساله فرود آورد.
لحظاتی بعد در حالی که آن ها بیکر مجروح دوستان را با خودروی سواری به بیمارستان انتقال می دادند، امدادگران اورژانس از راه رسیدند و جوان مجروح را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد منتقل کردند اما او ساعتی بعد به دلیل عوارض ناشی از اصابت چاقو جان سپرد
دوبدین ترتیب پرونده جنایی دیگری روی میز قاضی ویژه قتل عمد مشهد گشوده شد.
تحقیقات مقدماتی بیانگر آن بود که جوان گل فروش فراری، عامل این جنایت هولناک است.
بنابر این گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس

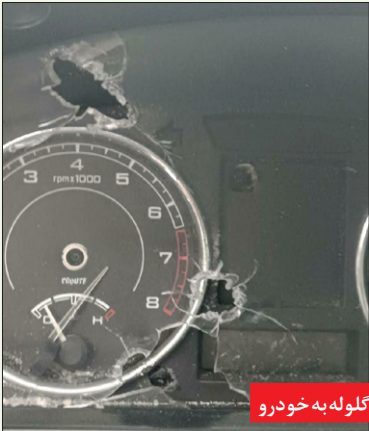
سومین باند پلیس های قلابی در مشهد متلاشی شد

وحشت آفرینی دزدان مسلح در پوشش پلیس!

پلیس های قلابی خودروی پژو پارس را تیرباران کردند



محل های اصابت گلوله به خودرو



محل های اصابت گلوله به خودرو

دست داشت، بی رحمانه لوله کلت کمری را به طرف خودرو گرفت و چندین گلوله شلیک کرد.
باصدای گلوله و شکستن شیشه ها رعب و وحشت عجیبی سر پای راننده و سرنشین پژو پارس را فرا گرفت به طوری که ز بانسان بند آمده بود.
در این لحظه اما مرد مسلح دوباره به کنار خودرو آمد و در حالی که لوله اسلحه را روی ران راننده گذاشته بود، قصد شلیک داشت که راننده جوان به التماس افتاد. او خواهش و تمنا می کرد تا مرد مسلح را از شلیک باز دارد.
از شدت ترس نفس هایش به شماره افتاده بود و از مردان مسلح می خواست دیگر شلیک نکنند!...

گزارش روز نامه خراسان حاکی است مردان مسلح که دیگر وحشت و دلهره را در دل طعمه های خود کاشته بودند، با سرعت ۵۵ میلیون ریال و جه نقد از درون داشبورد و جیب های سرنشین خودرو، از محل متواری شدند.

راننده و سرنشین پژو پارس که هنوز آثار وحشت در چهره آنان وجود داشت، ماجرا را به پلیس ۱۱۰ گزارش دادند.
دقایقی بعد این حادثه دلهره آور به سلسله مرآت فرماندهی اعلام شد و بدین ترتیب با صدور فرمانی ویژه از سوی سردار سر تیپ محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) دستگیری عاملان این سرقت مسلحانه در

سید خلیل سجاد پور - سومین باند «پلیس های قلابی» که اعضای آن به اموال مردم دستبرد می زدند، در حالی با دستور ات ویژه فرمانده انتظامی خراسان رضوی در مشهد متلاشی شد که آن ها برای وحشت آفرینی و ایجاد ترس و دلهره در بین طعمه های خود، خودروی پژو پارس را تیرباران کردند.
به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، عقربه های ساعت ۵ صبح شانزدهم آبان رانشان می داد که ناگهان تابلوی «ایست» مقابل چشمان راننده یک دستگاه پژو پارس قرار گرفت.
راننده جوان در حالی خودرو را زیر پل عبور می متوقف کرد که سرنشینان خودروی پژو ۴۰۵ در کناری وی قرار گرفتند.

در این هنگام جوانی که لباس سربازان نیروی انتظامی را به تن داشت، با تابلوی «ایست» مقابل راننده ایستاد و دو سرنشین لباس شخصی با معرفی خود به عنوان افسران پلیس، شروع به بازرسی خودروی پژو پارس کردند.
رانند ۲۷ ساله پژو پارس که از حرکات و رفتارهای توهین آمیز لباس شخصی ها به شدت عصبانی شده بود، در یک لحظه با صدای بلند به آن ها اعتراض کرد.
این اقدام وی به مذاق افراد مسلح که با نشان دادن کلت کمری اور اتهدید می کردند، خوش نیامد و به ناگاه فردی که سال ح را در

سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد:

قاتل نامرئی جان ۲۲۴ نفر را گرفت

افزایش ۲۲ در صدی قربانیان گاز گرفتگی در نیمه اول امسال

در شش ماه اول امسال، ۲۲۴ نفر به دلیل مسمومیت با گاز سمی منوکسید کربن جان خود را از دست دادند، آماري که در مقایسه با شش ماه اول سال گذشته، ۲۲/۴ درصد افزایش داشته است.
به گزارش جام جم آنلاین، بر اساس آماري که سازمان پزشکی قانونی در اختیار ایسنا قرار داده است، در شش ماه ابتدایی سال گذشته، ۱۸۳ نفر اثر مسمومیت با گاز منوکسید کربن جان خود را از دست دادند.
آماري که در شش ماه نخست امسال افزایش داشته و به ۲۲۴ نفر رسیده است.

این افزایش ۲۲/۴ درصدی طی شش ماه اول امسال به منزله هشدار و زنگ خطری برای احتمال افزایش گاز گرفتگی و از بین رفتن جان های بیشتر در نیمه دوم سال است چرا که روند آمار ها در سال های اخیر نشان می دهد در نیمه دوم سال شمار قربانیان گاز گرفتگی افزایش می یابد.
بر اساس این گزارش، در شش ماه اول سال گذشته و از میان ۱۸۳ جان باخته گاز گرفتگی، ۱۳۰ نفر مرد و ۵۳ نفر زن بودند.
از میان ۲۲۴ جان باخته در شش ماه اول امسال نیز

۱۶۷ نفر مرد و ۵۷ نفر زن بودند.
در شش ماه اول سال ۱۴۰۱ استان های تهران با ۲۹ فوتی، خراسان رضوی با ۲۵ فوتی و آذربایجان شرقی با ۲۳ فوتی دارای بیشترین جان باخته و استان های قم، سیستان و بلوچستان و سمنان بدون جان باخته بودند.
در استان های بوشهر و خراسان جنوبی نیز یک فوتی به ثبت رسیده و در استان های کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، هرمزگان و یزد تنها دو نفر جان خود را به دلیل گاز گرفتگی از دست داده اند.
در شش ماه اول سال ۱۴۰۰ استان های تهران با ۴۱، اصفهان و خراسان رضوی با ۱۵ و آذربایجان شرقی با ۱۴ نفر بیشترین جان باختگان گاز گرفتگی را به خود اختصاص داده بودند و استان های خراسان شمالی، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد نیز بدون جان باخته بودند.
در استان های چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، قزوین، کردستان، گلستان، لرستان و یزد نیز یک جان باخته و در استان های بوشهر، سمنان و گیلان دو جان باخته به ثبت رسیده است.

اختصاصی خراسان

دایره قتل عمد آگاهی) عملیات دستگیری وی را در حالی آغاز کردند که برادر متهم فراری پس از ارشاد و نصایح قاضی محمود عارفی را در قول داد برادرش را به پلیس آگاهی معرفی کند.
مخفیگاه متهم فراری زیر چتر اطلاعاتی کارآگاهان قرار گرفته بود که متهم فراری تصمیم گرفت خود را تسلیم قانون کند.

وی روز چهارشنبه گذشته بازداشت شد و در حضور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارتکاب قتل دوستش را پذیرفت.
بررسی های بیشتر در باره ابعاد و زوایای دیگر این جنایت توسط سرهنگ مرادی (افسر پرونده) همچنان ادامه دارد.

کلانتری سیدی) صورت گرفت، راز سرقت های دیگر نیز در حالی فاش شد که تحقیقات پلیس نشان داد اعضای این باند طعمه های خود را به بهانه مواد مخدر یا داشتن کالاهای غیر مجاز و غیر متوقف می کردند و اموال آن ها را می ربودند.

یکی از شاکیان پس از شناسایی متهم دستگیر شده گفت: آن ها با تابلوی «ایست» مرا در اطراف میدان بار سپاد متوقف کردند و سپس مرا به بهانه این که کالای غیر مجاز دارم درون خودروی خودشان نشاندند و یکی از اعضای باند پشت فرمان خودروی من نشست.
بعد از طی مسافتی مرا در همان اطراف رها کردند و گفتند خودرویت را از اطراف الماس شرق بردار!
وقتی به مکانی که گفته بودند رفتم تازه فهمیدم که میلیون ها تومان کالای الکترونیکی را از صندوق عقب به سرعت برده اند و...
بنابر این گزارش، بررسی های پلیس برای دستگیری عوامل و اعضای دیگر این باند سرقت مسلحانه، با اهنمایی های ارزنده فرمانده انتظامی مشهد در حالی ادامه دارد که سر کرده باند پلیس های قلابی روانه زندان شد.
شایان ذکر است این سومین باند پلیس های قلابی است که با تلاش بی وقفه نیروی انتظامی طی روز های گذشته در مشهد متلاشی شد.



ماجرای قتل زوج افغانستانی با ضربات چاقو

سرهنگ مهدی پورامینایی بیان کرد: ماموران انتظامی دستگیری عامل بااعلان قتل را در دستور کار قرار دادند.
وی گفت: با سرعت عمل ماموران و بررسی شواهد موجود، عامل قتل که برادر زن مقتول بود، شناسایی شد و ماموران در کمتر از سه ساعت پس از وقوع جنایت، متهم را در یکی از نقاط شهر دستگیر کردند.

سرهنگ پورامینایی خاطر نشان کرد: عامل این جنایت بی رحمانه که برادر مقتول است، در بازجویی های انجام شده به ارتکاب قتل به دلیل اختلافات و مسائل خانوادگی اعتراف کرد و با تشکیل پرونده اولیه تحویل پلیس آگاهی شد.

گزارش پلیس البرز، انتقال ۱۵۴ کیلو گرم شیشه و هروئین را ناگذاشت

وی خاطر نشان کرد: با رصد های اطلاعاتی انجام شده در صحنه در گیری و تحقیقات بعدی، حتما اعلان و ر ابطان حمل این محموله شناسایی و دستگیر خواهند شد.

این مقام ارشد انتظامی همچنین از کشف ۵۹۸ کیلو تریاک زیر بار پیاز یک دستگاه کامیونت در عملیات پلیس شهرستان رابر خبر داد.
وی با اشاره به هم افزایی اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر استان کرمان و استان گیلان در این عملیات گفت: در این زمینه یک متهم که قصد داشت این محموله سنگین را به مرکز کشور منتقل کند، دستگیر و به مرجع قضایی تحویل شد.

خراسان روزنامه صبح ایران

شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۱

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۴. شماره ۲۱۰۸۴

در امتداد تاریکی

ماجرای قتل های سریالی «پلنگ سیاه» چه بود؟

خیلی خونسرد کنار قاتلی دیگر ایستاده بود و به سنگفرش های اتاق شیشه ای می نگریست.
انگار نه انگار که تا ساعتی دیگر به دار مجازات آویخته خواهد شد، هنوز هم قصد داشت غرورش را به رخ دیگران بکشد!

به ظاهر، آرام به نظر می رسید و گاهی به چشمان قاتلی می نگریست که در کنارش قرار داشت و هراسان و وحشت زده به این سو و آن سو چشم می دواند تا شاید چاره ای برای رهایی از مجازات (اعدام) بیابد.
در این هنگام بود که از پشت شیشه های اتاق نگاهش در نگاهم حلقه شد.
برای اولین بار لیخندی زد و سری تکان داد.
گویی تا کنون در عالمی زندگی می کرد که پای هیچ انسانی به خاک آن نر سیده بود و هیچ جنبیده ای در آن یافت نمی شد!
حالاشنایی به برابرش را داشت.
او در حالی که مرا با نام کوچک خطاب می کرد، گفت: همان خبرنگاری هستی که قبلا فقط با تو مصاحبه کردم!... بدون آن که فرصت را از دست بدهم پرسیدم، ملاقاتی هم داشتی؟
گفت: نه به کسی زنگ زدم و نه کسی تا کنون به دیدارم آمده است!

یعنی در این سه سال و چند ماه که در زندان بودی، هیچ کدام از بستگان یا دوستانت به ملاقات تو نیامده اند؟
نه!
عادت داشت پاسخ های کوتاه بدهد!
کمتر سخن می گفت و من هم می دانستم که باید با ترفندهای خبرنگاری او را وادار کنم تا پاسخ سوالاتم را بدهد!
به همین دلیل بی درنگ پرسیدم:

پس این همه آدمکشی آن هم به خاطر «رفاقت» هیچ و پوچ بود؟
نه!
دیگران را نمی دانم ولی من همه چیزم را پای رفاقت گذاشتم!...

روزی که دستگیر شدی فقط به دنبال این بودی که بفهمی چه کسی تو را لو داده است.
خوب به خاطر دارم به من گفتی اگر نفهمم چه کسی مرا لو داده است، او را حتی در زندان هم می کشم!
بالاخره در این مدت متوجه شدی چه کسی تو را لو داده است؟

با تعجب نگاهم کرد، گویی این موضوع را به کلی فراموش کرده بود!
با حرص و ولع خاصی گفت: کی بود؟
جان من بگو!

تومی دانی؟

چند بار خواستم به این قاتل بی رحم بگویم همان کسانی که تو برای رفاقت با آن ها آدم می کشتی، تو را باز بچه خودخواهی هایت کرده بودند و با تعریف و تمجید های چاپلوسانه کاری کردند که جان چند انسان بی گناه را گرفته و امروز... اما سکوت کردم، با او که در پای چوبه دار بود، سخنی نگفتم اما شاید این جملات در سرت عبرتی باشد برای آنانی که مدعی می شوند همه چیز را باید پای «رفاقت» گذاشت!...

بی درنگ سوالاتم را تغییر داد و پرسیدم پشیمانی؟

خیلی خونسرد و آرام گفت: نه! اصلا!

اگر به سال های گذشته باز گردی، از مسیر آدمکشی برمی گردی؟
نه!
باز هم به همین جابرمی گردم!
یعنی آدم می کشم!
خلافکاری هایت را از همان سال ۸۴ آغاز کردی؟
نه! از سال ۸۲ زمانی که در یکی از مراکز دولتی کار می کردم.

اما گفتنی سال ۸۴ پس از دستبرد مسلحانه به طلافروشی در باخروز روانه زندان شدی؟
بله!
قبل از آن در سال ۸۲ با سلاح به سوی مردی شلیک کردم که لباس سنتی یکی از استان های جنوبی کشور را به تن داشت.
به همین دلیل هم از کارم اخراج شده البته قبل از آن هم خلافکاری داشتم!

هیچ کدام از افرادی که تا کنون به قتل رسانده ای، می شناختی؟
نه!
من فقط نشانی آن ها را از دوستانم می گرفتم.
اگر کسی می گفت فلائی قلدری می کند و به من زور گفته است، برای روکم کنی او را می کشتم!

در مصاحبه قبلی گفتی اگر دستگیر نمی شدی چند نفر دیگر را هم می کشتی؟
حالا می توانی نام آن افراد را بگویی؟
حالا که تا چند دقیقه دیگر اعدام می شوم!
چه فایده ای دارد؟
ولی اگر دستگیر نمی شدم باز هم دست به آدمکشی می زدم.
قبلا هم که گفتیم من معتاد به آدمکشی هستم!
و برای دیگران انتقام می گیرم...

لحظات اجرای حکم فرا رسیده بود و ماموران بدرقه قصد داشتند «پلنگ سیاه» را پای چوبه دار ببرند!
در حین انتقال به محل اعدام در کنارش قرار گرفتم و برای آخرین بار پرسیدم:
برای خانواده ات حرفی نداری؟
با حالتی تمسخر گونه نگاهم کرد و گفت: کدام پدر و مادر؟
احساس کردم دل پر دردی از خانواده دارد و ریشه تبهکاری هایش نیز به خانواده باز می گردد.
اگر چه در مصاحبه هنگام دستگیری گفته بود: پدر و مادرم فوت کرده اند!

بی درنگ سوال کردم به افرادی مانند خودت که مسیر خطایی را در پیش گرفته اند، چه می گویی؟
او در حالی که به چوبه دار نزدیک شده بود، گفت: آن ها هم مانند من نصیحت پذیر نیستند!
اگر نصیحت گوش کنند که راه غلط نمی روند!
و با این جمله طناب دار بر گردن گانگستر مخوف قرار گرفت.
او برای لحظاتی چشمانش را بست و در افکار خودش غرق شد، گویی به همه انسان های بی گناهی می اندیشید که جان آن ها را گرفته بود و حالا باید تقاص پس می داد.
دمیایی ها را از پایش بیرون انداخت و دوباره به قاتلی چشم دوخت که قرار بود در کنار او قصاص شود اما آن قاتل وحشت زده به او لبای دم التماس می کرد و فریادی می زد اشتباه کردم، غلط کردم...
و لحظاتی بعد در حالی طناب دار با مهلت یک ماهه او لبای دم از گردن قاتل مرد میوه فروش باز شد که برای آخرین بار نگاهم در نگاه «پلنگ سیاه» گره خورد و او بر دار مجازات جان سپرد.
شایان ذکر است گانگستر مخوف معروف به «پلنگ سیاه» پس از دستبرد مسلحانه به یک طلافروشی در باخرز به مدت ۸ سال در زندان به سر برد و پس از آزادی از زندان در سال ۹۲ فردی را در تربت جام به رگبار بست و سپس در اردیبهشت سال ۹۷ دو جوان را در اطراف میدان تلویزیون مشهد با شلیک گلوله به قتل رساند و چند روز بعد توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی دستگیر شد که به تبهکاری های دیگری نیز اعتراف کرد.

ماجرای واقعی در پیگیری یک پرونده جنایی